

گفت‌وگو با دکتر روح‌الله قادری کنگاوری، دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه جامع امام حسین^(ع)

بازدارندگی اتمی را باید به جای برجام بنشانیم

■ محمدرضا صالح‌نیا

«بزرگ‌ترین جنگ‌شناختی تاریخ بشر را علیه ایران به راه انداخته‌اند.» این روایت دکتر روح‌الله قادری کنگاوری از رویدادهای اخیر در ایران است. از دیدگاه این دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه جامع امام حسین(ع) ساده‌اندیشانه خواهد بود که وقایع اخیر را از یک سپهر وسیع‌تر که همان تیر و ترکش‌های جنگ شناختی غرب علیه جمهوری اسلامی است، نبینیم. آنچه در ادامه می‌آید گفت‌وگوی «جوان» با این صاحب‌نظر حوزه بین‌الملل است.

اگر بخواهیم اغتشاشات اخیر را از زاویه پروژهای از مداخلات خارجی برای تأثیرگذاری بر فضای ایران ببینیم، چه نکاتی قابل بحث خواهد بود؟

بدون تردید موفقیت‌های نسبی دولت آیت‌الله رئیسی در عرصه سیاست خارجی مثل عضویت در شانگهای، حضور در گروه بریکس و سیاست موفق همسایگی، زنگ خطر را برای امریکا و اتحادیه اروپا که به دنبال مهار ایران بوده و هستند، به صدا درآورده است. به ویژه مسئله مقاومت هسته‌ای در فرآیند مذاکرات و پافشاری طرف ایرانی بر رعایت شروط بازگشت امریکایی‌ها به برجام بر تلاش آنها جهت به هم زدن اوضاع داخلی ایران مؤثر بوده است. از طرفی سیاست مستقل ایرانی در مسائل منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از یمن تا اوکراین و از سوریه تا ونزوئلا حتماً غربی‌ها را عصبانی‌تر کرده است.

نشانه‌های این عصبانیت بیشتر در چه فضایی ظهور یافته است؟

امروز شما می‌بینید که یک مسئله کاملاً داخلی را چگونه با تسلط بر امپراتوری رسانه‌ای تبدیل به یک مسئله جهانی کرده‌اند، در حالی که در مسائل مشابه و به مراتب حساس‌تر و عمیق‌تر مثلاً در ماجرای حمله یک جوان امریکایی به سلمان رشدی، سکوت رسانه‌ای کاملاً حاکم‌فرماست و پس از گذشت دو ماه از آن واقعه هنوز کسی از سرنوشت این نویسنده ملحد خبر ندارد.

یعنی حرکت در یک فضای دوگانه؟

دقیقاً! اینجا همه ریشه در سیاست تزویر و استانداردهای دوگانه و بلکه چندگانه غربی‌ها نسبت به جوامع مستقل و متفاوت از سبک زندگی غربی‌ها دارد.

متأسفانه غربی‌ها با را از این هم فراتر گذاشته و عملاً علناً مقامات رسمی امریکایی و اروپایی، مردم را تشویق به ماندن در خیابان‌ها و تعرض به جان و مال و ناموس می‌کنند. چگونه می‌توان اینها را ندید و تحلیلی در این خصوص نداشت‌ه باشیم. تو گویی برخی نخبان فکری، اجرایی و حتی حاکمیتی هم دچار خطای تحلیل شده و بعضاً مواضع نابخردانه و غیرواقعی اتخاذ می‌کنند.

در رویدادهای اخیر اقوام اثرگذاری چون کردها و بلوچ‌ها و... در نوک سرمایه‌گذاری رسانه‌ای غرب برای تهییج قرار داشتند، نگاه دشمن به تنوع قومی در ایران و بهره‌برداری از آن چیست؟

ببینید از نگاه ایرانی تنوع قومی در ایران که من اسمش را «رنگین کمان اقوام ایرانی» می‌نامم، یک فرصت بی‌ظنیر و یک تجربه موفق و الگویی آزمون پس داده در این سرزمین کهن است و در طول تاریخ هرگز ما شاهد منازعه قومی نبوده‌ایم، جز اینکه پای طرف خارجی برای تحت فشار قرار دادن دولت مرکزی در میان باشد.

شواهد این تحلیل کجاست؟

تاریخ بهترین گواه است. مرزهای قومی در ایران نه تنها باعث جدایی و واگرایی ملت ایران نبوده، بلکه برعکس باعث چسبندگی و همگرایی مردم ایران به عنوان یک ملت زنده و پویا بوده است، اما متأسفانه سیاست فرقه‌گرایی قومی و مذهبی در راستای سیاست استعماری تفرقه بینداز و حکومت کن، از دیرباز ابزار نظام سلطه برای درگیری‌سازی و مشغول‌سازی ملل مستقل در داخل کشورشان بوده است تا آنها را ضعیف و ضعیف‌تر کنند.

اگر از این پنجره به رویدادهای اخیر نگاه کنیم، چه چشم‌اندازی خواهیم دید؟

شما در ماجرای اخیر مشاهده کردید که چه سرمایه‌گذاری عظیمی روی این مسئله داشته‌اند که بحمدالله با پیداری ملت و آگاهی علما دامنه آن گسترش پیدا نکرد، اما مسئله، مسئله‌ای نیست که طرف خارجی به راحتی از کنار آن بگذرد.

شما می‌گویید طرف خارجی نمی‌خواهد سرمایه‌گذاری بر این بحران‌سازی‌ها را متوقف کند، اهرم دست آنها برای این کار چیست؟

به قول یکی از دوستان، بزرگ‌ترین جنگ شناختی تاریخ بشر را علیه ایران به راه انداخته‌اند.

منظور تان دقیقاً از جنگ شناختی چیست؟

شما وقتی رویدادهای مرتبط با مداخلات غربی‌ها در کشورهای دیگر را زیر نظر می‌گیرید، می‌بینید غربی‌ها به هر کشوری که وارد شدند مداخله کردند، در یک فرآیند دولت - ملت‌سازی معکوس، قانون اساسی آن کشور را به گونه‌ای تدوین کردند که دو مسئله قومیت و مذهب عملاً مبتنی تقسیم‌قدرت و ثروت شد تا مفهوم ملت و در کنار هم بودن هرگز شکل نگیرد، اما در کشورهای خودشان مینا و معیار فقط

مسئله شهروندی و سبیتی‌زن شیب است و اینگونه شده که در عراق، لبنان، بوسنی و سایر مناطق، اقوام و مذاهب دچار نوعی ناسیونالیسم قومی شده‌اند که زمینه و بستر قانونی را الی الاید برای مداخله خارجی و ترویج افراط‌گرایی دینی، قومی و رادیکالیسم سیاسی فراهم می‌سازد و این دقیقاً آن چیزی است که از آن به «بالکانیزاسیون» یاد می‌کنیم؛ یعنی قطعه‌قطعه کردن و تجزیه ملت‌ها و قرار دادن این قطعات در مقابل هم نه در کنار هم در برابر دشمن مشترک بیگانه. در حالی که ناسیونالیسم قومی و فرقه‌گرایی مذهبی بنیان انسجام و یکپارچگی هر ملتی را از درون فرو خواهد پاشید و این نسخه غرب برای کشورهای مستقل و متفاوت با فرهنگ غربی است.

در سال‌های اخیر پروژه خاورمیانه جدید از سوی امریکایی‌ها و صهیونیست‌ها دنبال می‌شد. خواب آشفته‌ای که امریکایی‌ها و صهیونیست‌ها در پازل خاورمیانه جدید برای ایران دیده‌اند، چیست؟

این خواب آشفته را من «بالکانیزاسیون ایران» می‌نامم. اساساً غربی‌ها هیچ وقت انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی را حقیقتاً به رسمیت نشناخته‌اند و به لطایف‌الحیل سعی در تغییر رژیم و براندازی آن داشته‌اند. آنها برخلاف رُست دموکراتیک به شدت انحصارطلب بوده و تفاوت‌ها را به رسمیت نمی‌شناسند، به‌ویژه تفاوت در جهان‌بینی و خط مشی‌های سیاسی.



این را به عنوان یک متخصص روابط بین‌الملل عرض می‌کنم، والله دشمنان ایران اگر می‌توانستند هیچ ابایی از نسل‌کشی ۸۵ میلیون ایرانی نداشتند، مگر در خلال جنگ جهانی اول بیش از ۸ میلیون ایرانی (تقریباً نصف جمعیت آن روز کشور) بی‌گناه و گرسنه - پیش از کل تلفات حمله مغول و قوم تاتار به ایران - به دلیل سیاست همین غربی‌ها به ویژه امریکا و انگلیس خبیث تلف نشدند

داخلی ایران را که برخلاف بند ۷ «ماده ۲» منشور سازمان ملل متحد است، حتی رسماً به زبان بیاورند. هیچ وقت یادم نمی‌رود، جمله معروف جرج بوش پسر در دسامبر ۲۰۰۷ که در مورد ایران گفته بود: «ایران خطرناک بود، ایران خطرناک است و ایران خطرناک خواهد بود.»

این وحشت از کجای می‌آید؟

خاستگاه این وحشت، ایران قوی و مستقل است. ایرانی که درحال قوی‌تر شدن است. در واقع از نگاه امریکایی، مسئله، مسئله ایران است نه نظام جمهوری اسلامی. حتی متن برجام هم ایران را - نه جمهوری اسلامی را - مخاطب خلع سلاح قرار می‌دهد.

البته این ترس به امروز برنمی‌گردد و ردپای آن از گذشته قابل ردیابی است.

دقیقاً! غربی‌ها بالکانیزاسیون ایران را دهه ۹۰ میلادی با سیاست ژئوپلیتیک‌زدایی ایران در محیط پیرامونی‌اش آغاز کردند و این به آن معناست که در چهارگوشه مرزی همسایگان به صورت دو جانبه و چندجانبه شکل بگیرد، بلکه روی این اصل است که حذف ایران از مزایای جغرافیایی و ژئوپلیتیک طبیعی و منحصر به فرد خود در دستور کار قرار می‌گیرد و اینگونه است که ایران باید از خطوط لوله انتقال انرژی در منطقه، ترانزیت هوایی، ریلی و زمینی حذف شود تا تهی‌سازی ظرفیت استراتژیک ایران رخ دهد و زمینه را برای تکه‌تکه کردن ایران فراهم کنند. بالکانیزاسیون ایران سیاست دیروز و امروز و فردای غرب سلطه‌گری است که جز منافع و مطامع خود هیچ قدرت رقیبی را به رسمیت نمی‌شناسد.

برای خنثی کردن چنین موازنه مسمومی که علیه منافع ملی ماست، چه باید کرد؟ در چنین فضایی توصیه اصلی من همان گونه که در بارها اعلام کرده‌ام، اولاً پایان دادن به مذاکرات بی‌خود و بی‌فایده هسته‌ای با طرف غربی و دستیابی هر چه سریع‌تر به بازدارندگی اتمی است و ثانیاً تلاش و مجاهدت شبانه‌روزی مسئولان برای تقویت کارآمدی و افزایش سطح رضامندی مردم صبور و شکور ایران است.

یعنی بازدارندگی اتمی را یک آلت‌ناتیو مناسب برای این فضا می‌دانید؟

بازدارندگی اتمی، شرط لازم و ضروری تأمین امنیت



ملی در نظام سلطه آثارشک یک کنونی و ضامن ثبات ملی است و رضامندی عمومی شرط کافی و ذاتی آن. رضامندی اجتماعی و اقبال ملی مغز استخوان امنیت ملی است که بدون این مهم، پوکی استخوان هر امنیتی قطعی و اجتناب‌ناپذیر است، چرا که عدم پاسخ‌دهی معتبر به یک مطالبه و مسئله ملی، زمینه را برای گسترش افقی (مشارکت سایر اقشار اجتماعی) و عمودی (شعارهای ساختار شکنانه و رفتارهای خشونت طلبانه) اعتراض و تبدیل آن به اغتشاش و شورش که سایه جنگ داخلی است مهیا و آماده می‌کند. بنابراین حفظ توان بازدارندگی اتمی و حل مشکلات اقتصادی مردم (به ویژه اشتغال، ازدواج و مسکن) و پاسخ معتبر به مطالبات سیاسی و فرهنگی مشروع و قانونی مردم کلید برون رفت از بحران فعلی و خنثی کردن ابر توطئه تجزیه ایران عزیز ما در قالب سیاست بالکانیزاسیون ایران است.

در این فضا به چه نوع آگاهی نیاز داریم؟

ما به عنوان آحاد این ملت اگر به این آگاهی برسیم که مشکل اصلی نظام سلطه با خون ایرانی، ژن ایرانی و نژاد ایرانی است، در این صورت ما با آن گذشته عظیم و پرافتخار و نظام مقتدر و قوی جمهوری اسلامی رو بین‌تر خواهیم شد. این را به عنوان یک متخصص روابط بین‌الملل عرض می‌کنم، والله دشمنان ایران اگر می‌توانستند هیچ ابایی از نسل‌کشی ۸۵ میلیون ایرانی نداشتند، مگر در خلال جنگ جهانی اول بیش از ۸ میلیون ایرانی (تقریباً نصف جمعیت آن روز کشور) بی‌گناه و گرسنه - بیش از کل تلفات حمله مغول و قوم تاتار به ایران - به دلیل سیاست همین غربی‌ها به ویژه امریکا و انگلیس خبیث تلف نشدند. این اولین هولوکاست جهانی، علیه ما ایرانی‌های مظلوم و بی‌دفاع بود. به نظر اسرائیلی‌ها و امریکایی‌ها دیگر از متوقف کردن برنامه هسته‌ای ایران ناامید شده‌اند و فهمیده‌اند که بالاخره این علم در این آب و خاک بومی و درونی شده و از بین رفتنی نیست، بنابراین می‌خواهند بقای ایران را از بین ببرند.

پس شما محتوای این اغتشاشات را فراتر از صورت‌بندی‌های مرسوم می‌دانید.

اینکه مسئله امروز ایران را به حجاب و فوت ناراحت‌کننده یک دختر خانم ایرانی تقلیل دهیم و اصلاً متوجه گستره و عمق کینه‌توزی دشمن و توطئه بزرگ‌تر علیه ایران و تمامیت ارضی‌اش نباشیم، نشان‌دهنده کوتاهی‌تهی ما خواهد بود. سطح منازعه، سطح تمدنی است و برخی البته معتقدند که رئیسی، رئیس دولت نیست که اگر بود حتماً کارها به سامان می‌شد. البته من معتقدم آیت‌الله رئیسی در سیاست خارجی رئیس دولت است، اما در سیاست داخلی متأسفانه شبکه‌ها و بلوک‌های قدرت دست دولت را در اعمال برخی اصلاحات بسته‌اند که حتماً باید کاری کرد قبل از اینکه دیگر نتوان کاری کرد.

خاورمیانه مطلوب غرب چه مختصات دارد؟



از نظر غرب، ایران یا باید ضعیف باشد و مستقل یا قوی و وابسته یا اصلاً نباشد، اگر چه مطلوب آنها ایران ضعیف و وابسته تحت اختیار خودشان است، اما آن چیزی که در این شرایط مهم است، این است که تمام ملت ایران یکصدا و تمامی مسئولان جمهوری اسلامی متفق‌القول باشند که امنیت تحت هیچ شرایطی قابل مصالحه و مذاکره نیست

در یک کلام خاورمیانه منتهای مقاومت و بدون ایران. من حقیقتاً متأسفم و متعجبم از برخی سیاسیون که مسئله به این سادگی را خوب فهم نمی‌کنند و مدام به مردم آدرس غلط می‌دهند. هر چه قدرت ایران بیشتر و قوی‌تر، مداخله و تحریک برای درگیرسازی و مشغول‌سازی ایران در داخل مرزهایش از سوی دشمن قوی‌تر و زخم‌ها کاری‌تر می‌شود. بارها گفته‌ام و نوشته‌ام که ایران ضعیف و وابسته، آرمان امریکایی‌ها و غربی‌هاست و ایران قوی مستقل کابوس آنها. این را من به شما عرض بکنم که شاید در هیچ معرکه‌ای به اندازه معرکه اوکراین، ناتو و امریکا قدرت بازدارنده تهاجمی و اقتدار آفرین جمهوری اسلامی ایران را نچشیده باشند. قدرت نظامی و دفاعی ایران ساختار ناتو را به لرزه درآورده است.

شما دیدید در همین سند ۴۸ صفحه‌ای راهبرد امنیت ملی امریکا که چهارشنبه گذشته از سوی رایدن رونمایی شد، چقدر قدرت موشکی و پهپادی ایران، امریکا را نگران کرده و تهدید می‌داند و آشکارا و مداخله‌جویانه از اعلام ایستادن در کنار اغتشاشگران و حمایت از آنها ابایی ندارند.

الگوی غرب برای پیشبرد پروژه تجزیه و بالکانیزاسیون ایران چیست و به چه اهرم‌هایی امید بسته است؟

الگوی موفق غرب برای کاربست پروژه بالکانیزاسیون، تجزیه شوروی و یوگسلاوی سابق یا چکسلواکی و تبدیل آنها به دولت‌های کوچک قومی است. در مورد یوگسلاوی سابق، ابتدا یوگسلاوی را به پنج کشور صربستان، مقدونیه، بوسنی، کرواسی و اسلوونی و بعدها به هشت کشور (اضافه کردن مونته‌نگرو و کوزوو) و احتمالاً به زودی به ۱۰ کشور (جمهوری صربسکای بوسنی و جمهوری سنسجک در جنوب صربستان و شمال مونته‌نگرو) و حتی شاید ۱۱ کشور بعد از جدایی منطقه و یویدینا در شمال صربستان تبدیل کنند. بالکانیزاسیون پروژه‌ای است پروسه محور که هرگز پایانی بر آن متصور نیست و می‌تواند تا اضمحلال و نابودی و محو یک ملت در مرز تکفیر پیش برود. این منطق استکبار و نظام سلطه است تا شوروی بود یوگسلاوی را برای مهار بلوک شرق به عنوان یک منطقه



رضاهشیریان جوان

بی‌طرف و بی‌تعهد نیاز داشتند و حمایت و پشتیبانی می‌کردند، اما با فروپاشی شوروی وجود قدرت بزرگ یوگسلاوی دارای ارتش پنجم دنیا را یک تهدید بالقوه تلقی کرده و با تحریک کلیسا و افراطیون صرب و کروات، ملت یوگسلاوی را به جان هم انداختند که نتیجه آن یک جنگ داخلی خونین تمام عیار با سبعت کامل شد که ما اجازه بالکانیزه شدن بریتانیا... را نخواهیم داد. این و نسل‌کشی شرم‌آور سربرتسا محصول همین فرآیند بالکانیزاسیون بود.

جالب اینکه نخست‌وزیر اسبق انگلیس آقای گوردون براون در زمان رفت‌وآمد استقلال طلبی اسکاتلند قبل از برگزیت در مصاحبه با بی‌بی‌سی انگلیسی گفته بود که ما اجازه بالکانیزه شدن بریتانیا... را نخواهیم داد. این موضع‌گیری ما را به یاد ضرب‌المثل معروف «هرگ خوب است، اما برای همسایه» می‌اندازد.

چرا با وجود تنوع اقوام و مطالبات قومی خواب آشفته تجزیه ایران تعبیر نخواهد نشد؟ ظرفیت‌های ما در این باره چیست و چگونه می‌توان از آن بهره‌برداری کرد؟

تعبیر هر خوابی در نهایت به اراده جمعی ملت‌ها بستگی دارد که قرآن فرموده است: «ان الله لا یغیر ما یقوم حتی یغیروا ما بانفسهم» یعنی سرنوشت ملت‌ها را خود مردم رقم می‌زنند، اما ایرانی‌ها در طول تاریخ هرگز به خارجی‌ها باج نداده و تر جیب می‌دهند در داخل از گرسنگی بمیرند تا به دست خارجی کشته شوند. این شرف، عزت و عظمت ایرانی است. بزرگ‌ترین سرمایه ایران، ملت آگاه و بیدار ایران است و تا اراده این ملت نشکند - که ان شاءالله هرگز نخواهد شکست - هیچ توطئه‌ای علیه ایران محقق نخواهد شد و این مسیر تلاش بی‌ظنیری است برای این کشور. از طرفی مسئولان امر در تمام حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی باید رفاه و عزت ایرانی را برای تمام ایرانی‌ها از هر قومی و مذهبی بخوانند و در عمل در این مسیر تلاش و مجاهدت نمایند. ملت ایران خیلی خوب تفاوت خادم و خائن را می‌فهمد. لذا تأکید می‌کنم به تعبیر رهبر معظم انقلاب که خیلی وقت پیش فرمودند: بزرگ‌ترین روش مبارزه با امریکا، خدمت به مردم است. امیدوارم همگی قدر این مردم نجیب و فهیم را بدانیم که صاحبان اصلی انقلاب و ولی نعمت همه مایند. مسئولاتی که نمی‌توانند یا نمی‌خواهند خدمتی به مردم داشته باشند، لطفاً هر چه زودتر بروند تا مر تکب خیانتی نشده‌اند.

و سخن آخر؟

ببینید از نظر غرب، ایران یا باید ضعیف باشد و مستقل یا قوی و وابسته یا اصلاً نباشد. اگر چه مطلوب آنها ایران ضعیف و وابسته تحت اختیار خودشان است، اما آن چیزی که در این شرایط مهم است، این است که تمام ملت ایران یکصدا و تمامی مسئولان جمهوری اسلامی متفق‌القول باشند که امنیت تحت هیچ شرایطی قابل مصالحه و مذاکره نیست و همگی متعهد به امنیت بومی درون‌زای خود بنیاد ایران اسلامی قوی مستقل باشند. این محکم‌ترین پیامی است که به دشمن داده خواهد شد و اینگونه است که ایران هرگز تبدیل به گاو شیرده آنها نخواهد شد و همچون شیر، تاریخ و هویت و خاک این مرز و بوم را محافظت و مراقبت می‌کنند.